

نگاهی به تازه‌ترین ترجمه فارسی قرآن کریم از دکتر صادقی تهرانی

علی اکبر طاهری

(۲)

در شماره قبل، ترجمه سوره‌های فاتحه و بقره بررسی گردید. اکنون در این بخش ترجمه سوره‌های آل عمران و نساء مورد بررسی قرار می‌گیرد. یادآوری می‌شود در این قسمت و قسمتهای بعدی، در هر موردی که لازم است ترجمه درست یک آیه آورده شود، به جای نقل از یک ترجمه، از چند ترجمه مختلف مثال آورده می‌شود، تا موضوع روشن‌تر شود. در ضمن، نخست به برخی نکات مثبت در ترجمه مورد بحث - که مترجم گرامی نسبت به آنها توجه کافی مبذول داشته‌اند - اشاره می‌کنیم.

الف - آل عمران، ۳: *پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ

«کتاب [قرآن] را در تأیید آنچه (از کتابهای آسمانی) برابرش می‌باشد، به تمامی حق و به تدریج بر تو نازل کرد و (نیز هر یک از) تورات و انجیل را یکجا نازل فرمود».

بررسی: در این آیه، در مورد نزول قرآن «نزل» (باب تفعیل) و در مورد نزول تورات و انجیل «انزل» (باب افعال) به کار رفته است؛ غالب مترجمان (از جمله این جانب) هر دو را یکسان به «فرو فرستاد» یا «نازل کرد» ترجمه کرده‌اند؛ ولی آقای دکتر صادقی آن را در مورد قرآن با تعبیر «به تدریج نازل کرد» و در مورد تورات و انجیل با تعبیر «یکجا نازل فرمود» ترجمه کرده‌اند که با معنای دو باب تنزیل و انزال و نیز با شواهد تاریخی سازگار است.

نگاهی به تازه‌ترین ترجمه فارسی قرآن کریم... ۳۷ □

ترجمه درست دیگر: «این کتاب را به حق (و هدفی والا و عقلانی) به تدریج بر تو فرو فرستاد که تصدیق کننده است آنچه را پیش از او ست، (از پیامبران و شرایع و کتابهای آسمانی)، و (هر یک از) تورات و انجیل را دفعتاً و مجموعاً فرو فرستاد». (مشکینی)

ب - آل عمران، ۸۵:

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ
مِنَ الْخَاسِرِينَ

«هرکه جز تسلیم (در برابر خدا) دین و طاعتی دیگر برجوید، هرگز از او پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است».

بررسی: غالب مترجمان در این مورد و موارد مشابه که چند بار در قرآن آمده است، گفته‌اند: «هرکه جز اسلام دینی بطلبد...» (و یا قریب به این مضمون). معنای اصلی

«اسلام» همان «تسلیم» است و اساساً این دو کلمه مترادف‌اند و بدیهی است که منظور از تسلیم، تسلیم در برابر خداست که استاد نیز این معنی را در پراکنش افزوده‌اند. مؤید درستی این نظر، آیه ۵۴ زمر (۳۹) است که می‌فرماید: **وَ أَنْبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ** «به سوی پروردگارتان روی آورید و تسلیم او شوید».

سایر ترجمه‌های درست: «هر که جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق) آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زیانکاران است». (مکارم شیرازی) «هر که دینی غیر از تسلیم [در برابر خدا] اختیار کند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد؛ و در آخرت در شمار زیانکاران خواهد بود». (طاهری)

ج - آل عمران، ۲۰۰:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا...

«هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و هم در صبر هماهنگی نمایید».

بررسی: باب مفاعله غالباً بر مشارکت دلالت دارد، و در این آیه دستور داده شده که علاوه بر اینکه خودتان به طور فردی صبر و مقاومت و پایداری می‌کنید، با همکاری دیگران نیز به صورت جمعی صبر و پایداری داشته باشید. مترجم گرامی همین معنی را در ترجمه لحاظ کرده‌اند. سایر مترجمان غالباً دو فعل «اصبروا» و «صابروا» را یکسان فرض کرده و در ترجمه آنها دو تعبیر مترادف آورده‌اند.

ترجمه‌های درست دیگر: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیباً باشید و دیگران را به شکیبایی فراخوانید»۔ (آیتی).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیبایی ورزید و دیگران را نیز به شکیبایی وادارید»۔ (مشکینی)

«ای مؤمنان، به صورت فردی و جمعی پایدار باشید»۔ (طاهری)

و اینک دنبالهٔ موارد ترک اولی

۳۸- آل عمران، ۳۰:

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا

«روزی که هر کس آنچه (کار) نیک به جای آورده حاضر شده می‌یابد، دوست دارد کاش میان او و کارهای بدش، به راستی فاصله‌ای دور باشد»۔
بررسی: بخشی از این آیه در ترجمه نیامده است.

۳۹- آل عمران، ۳۶:

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ اِنِّي وَضَعْتُهَا اُنْثَىٰ وَاَللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَئِنِ السَّكْرُ كَاَلْاُنْثَىٰ وَاِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ

«پس چون او را فرو نهاد گفتم: پروردگارم! من او را به راستی دختر زادم۔ در حالی که خدا به آنچه او زاییده داناتر است۔ و پسر چون دختر نیست، و من نامش را مریم نهادم»۔
بررسی: در عبارت «ولیس الذکر کالأنثی» اگر منظور این بخش از آیه به طور کلی مقایسه بین

نگاهی به تازه‌ترین ترجمه فارسی قرآن کریم... ۳۹ □

پسر و دختر بود، (البته از نظر کارآیی در خدمتگزاری در معبد) و کلام هم کلام همسر عمران می‌بود، با توجه به اینکه همسر عمران به دلیل عدم قابلیت دختر برای کار سنگین خدمتگزاری در معبد متأسف شده بود، علی‌القاعده باید تعبیر آیه این گونه می‌بود: «و لیس الأُنثی کالذَّکر» در حالی که تعبیر به عکس است. به نظر می‌رسد این جمله دنباله کلام معترضه‌ای است که قبل از آن آمده است، یعنی «والله اعلم بما وضعت». بیشتر مترجمان فقط بخش اول را معترضه دانسته‌اند، در حالی که هر دو بخش، معترضه و کلام خداست. در ضمن، الف و لام در «الذکر» برای جنس، و در «الأُنثی» برای عهد است و مقصود این است که «هیچ پسری مانند این دختر نیست». بدیهی است که منظور پسران زمانه‌اند، همان گونه که درباره بنی اسرائیل فرموده است: «وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» که منظور مردم زمانه‌اند، زیرا بنی اسرائیل تنها ملت موحد زمان بودند. در اینجا هم پسران زمانه در مقایسه با مریم قرار گرفته‌اند که بدون واسطه مردی، مادر پسری خواهد شد که از پیامبران بزرگ است و معجزاتی خاص خود دارد.

بنابراین، ترجمه درست آیه، چنان که در ترجمه این جانب آمده چنین است: «و چون وضع حمل کرد، [با افسوس] گفت: پروردگارا، دختر زاده‌ام - در حالی که خدا به حال فرزندی که او [به دنیا] آورد، داناتر است و [می‌داند که] هیچ پسری چون این دختر نیست - و او را مریم نام نهادم...» والله اعلم.

۴۰- آل عمران، ۷۴: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ
«رحمت خود را به هر کس بخواهد اختصاص می‌دهد.»

بررسی: در این ترجمه مفعول فعل جابه‌جا شده است. استاد، همین عبارت قرآنی را در آیه ۱۰۵ سوره بقره درست ترجمه کرده‌اند، به این صورت: «خدا هر که را خواهد به رحمت خود اختصاص می‌دهد». با توجه به این ترجمه درست، زیرنویسی که درباره آیه مورد بحث آورده‌اند دلیلی نخواهد داشت.

أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

«آنان همان رستگار کنندگانند».

بررسی: مترجم گرامی در برخی موارد درباره صیغه‌های مختلف «مفلحون» توضیح کوتاهی داخل پرانتز آورده‌اند؛ مثلاً در ترجمه آیه اول سوره مؤمنون «قد افلح المؤمنون» گفته‌اند: «مؤمنان بی‌گمان (خودشان و دیگران را) رستگار کردند» و نیز در آیه ۲۱ سوره انعام در ترجمه عبارت «انه لا یفلح الظالمون» آورده‌اند: «بی‌گمان ستمگران (خودشان و دیگران را) رستگار نمی‌کنند».

درست است که باب افعال غالباً برای تعدیه است، ولی همواره چنین نیست؛ باب افعال معانی دیگری هم دارد که موارد زیر از جمله آنهاست:

۱. داخل شدن در وقت؛ مانند اصبح المسافر، مسافر داخل صبح شد.
۲. برای رسیدن وقت کاری؛ مانند: احصد الزرع، وقت درو رسید.
۳. برای سلب فعل؛ مانند: اعدیتک، با تو ترک دشمنی کردم.
۴. برای گرفتن فعل از اسم؛ مانند: اثمرت الشجرة، درخت میوه داد.
۵. برای مبالغه؛ مانند: اعظمته، او را بزرگ شمردم.
۶. وبالأخره برای سیورورت؛ مانند: أفقرت الأرض، زمین بی‌آب و گیاه شد. و «قد افلح المؤمنون» مؤمنان رستگار شدند.

راغب در تشریح معنای فلاح و افلاح (مصدر ثلاثی و باب افعال آن) شعری را نقل کرده که مربوط به دوران قبل از اسلام است؛ و بدیهی است که معانی کلماتی که در اشعار قدیم عرب به کار رفته با معانی واژه‌های قرآنی که تقریباً همزمان‌اند، هماهنگی دارند. قابل ذکر است که راغب برای تألیف کتاب نفیس و پرارج مفردات - که همچنان پس از گذشت ده قرن یکی از کتب معتبر مرجع به شمار می‌رود - اساس کارش را بر این قرار داد که سالهای طولانی میان قبایل و طایفه‌های بدوی که در اطراف مکه و مدینه و سایر نقاط عربستان زندگی می‌کردند، بگذراند تا از میان گفتار روزمره آنان، که به علت عدم ارتباط با سایر ملل، زبانشان دست نخورده و به حالت اولیه باقی مانده بود، معانی اصلی کلمات قرآن را جست‌وجو کند. راغب ضمن توضیحات خود درباره کلمه «فلاح» این شعر را نقل کرده است:

نگاهی به تازه‌ترین ترجمه فارسی قرآن کریم... ۴۱ □

أَفْلَحَ بِمَا شِئْتُمْ فَقَدْ يُدْرِكُ بِالضَّمِّ عَفَّ وَقَدْ يُخَدِّعُ الْارِيبَ

بر هر چه می‌خواهی پیروز شو، زیرا آن با ضعف هم به دست می‌آید؛ در حالی که مرد خردمند و زیرک فریب (دشواری آن را) می‌خورد.

به طوری که ملاحظه می‌شود، در این شعر صیغه امر باب افعال از ریشه (ف، ل، ح) به گونه‌ای است که آن را به صورت متعدی نمی‌توان ترجمه کرد. ذکر این نکته نیز لازم است که مصدر فلاح که به معنای پیروزی و رستگاری است، ثلاثی مجرد آن صرف نمی‌شود و کاربرد ندارد؛ در آیات قرآن هم فقط از باب افعال حدود چهار مورد به صورت ماضی و مضارع و اسم فاعل آمده است، ولی مصادر ثلاثی مجرد دیگر همین ریشه که معانی دیگری دارند، در شکل مجرد صرف می‌شوند و کاربرد دارند، مانند: فَلَاحَ (بر وزن گرم) به معنای شخم زدن، فَلَاحَ (بر وزن عمل) به معنای شکاف در لب پایین ایجاد شدن. فِلاحة و فِلاحة به معنای زراعت. افعال دیگری هم هستند که باب افعال آنها، علاوه بر معنای متعدی، در معنای لازم هم به کار می‌رود؛ مثلاً أَبْصَرَ يُبْصِرُ که صیغه‌های مختلف آن در قرآن در موارد بسیاری آمده، همه جادر معنای لازم به کار رفته است، از قبیل آیه ۴۲ مریم (۱۹) «لِمَ تَعْبُدُونَ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ» و آیه ۳ انبیاء (۲۱) «أَفْتَأْتُونَ السَّحَرَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ» و نیز آیه ۱۲ سجده (۳۲) «رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَانْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا» که اتفاقاً در دو مورد از موارد فوق، باب افعال این فعل، به علت اینکه در معنای لازم به کار می‌رود، در کنار ثلاثی مجرد فعل «سمع» آمده و مترجم محترم همه این موارد، و موارد مشابه را به طور صحیح به صورت لازم ترجمه کرده‌اند.

۴۲- آل عمران، ۱۱۲:

إِلَّا يَجْبَلِ مِنَ اللَّهِ وَ حَبْلِ مِنَ النَّاسِ وَ بَاءً وَ بَعْضٍ مِنَ اللَّهِ وَ ضَرْبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ

«مگر به وسیله ریشمانی از خدا و ریشمانی از مردم. و مهر (و مهار) گداصفتی بر آنان زده شد.»

بررسی: عبارت «وباء و بعض من الله» در ترجمه نیامده است.

بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ

«آری، اگر صبر کنید و پرهیزکاری نمایید و (با همین جوش و خروش) بر شما بتازند، همانگاه پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشان گذارنده یاری خواهد کرد.»

بررسی: بحث بر سر کلمه «مَسْوَمِينَ» است. البته این ترجمه از نظر قواعد ایرادی ندارد، ولی چه چیز را آن فرشتگان باید نشان گذاری می کردند، و این نشان گذاری چه اثری در سرنوشت جنگ می توانست داشته باشد؟ بیشتر مترجمان برای درگیر نشدن با این سؤال، «مَسْوَمِينَ» را به صورت مفعول ترجمه کرده اند (نشاندار)، ولی بدیهی است که هر مترجمی باید متنی را که در صفحه مقابل ارائه داده است، ترجمه کند، نه غیر آن را. در اینجا مترجم محترم برای توجیه ترجمه خود که با متن قرآن هماهنگی دارد (نشان گذارنده)، در زیر نویس توضیحی داده اند به این شرح: «این نشان گذاری فرشتگان بدین معنی است که بدون شرکت در نبرد، خود را برای تقویت جنگجویان مسلمان به آنان نشان داده و نوید پیروزی می دادند». این توضیح هرچند برای اینکه یک سؤال مقدر بدون پاسخ گذاشته نشود، مفید است، ولی به هر حال مفهوم ترجمه را توجیه نمی کند.

اما اینکه این مشکل چگونه باید حل شود، باید به سراغ معنای دیگر «تسویم» برویم. همان طور که کتب لغت معتبر تصریح کرده اند، معنای دیگر تسویم، فرستادن است (سَوَّمَ الخَیْلَ: ارسلهای، المنجد) و مسوومین در اینجا به معنای فرستندگان است، ولی مترجمان قرآن برای درگیر نشدن با این مشکل که آنها چه چیز را برای مبارزان راه حق فرستادند، هیچ کدام این معنی را انتخاب نکرده اند. اما اگر به آیات ۱۰ و ۱۲ انفال (۸) توجه کنیم، مشکل حل می شود. در آیه ۱۰ انفال آمده است: **(وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَ لِطَمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ؛** خدا این وعده [اعزام فرشتگان] را تنها برای بشارت مقرر داشت، تا [امیدوار شوید] و دل‌های شما بدان آرامش و اطمینان یابد». معلوم می شود آنها مأمور فرستادن بشارت و اطمینان بر دلها بوده اند. نیز در آیه ۱۲ انفال می خوانیم: **(إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنْبَىٰ مَعَكُمْ فَتُنَبِّئُوا الَّذِينَ آمَنُوا؛** [به یاد آرید] آندم را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد که من با شما هستم؛ مؤمنان را پایمردی بخشید». معلوم می شود آنها مأمور فرستادن ثبات بر قدمهای مؤمنان نیز بوده اند. بر این

نگاهی به تازه‌ترین ترجمه فارسی قرآن کریم... ۴۳ □

اساس آیه را باید این گونه ترجمه کرد: «آری، اگر ایستادگی کنید و پرهیزکار باشید، و [دشمنان] با همین خشم که در آنهاست بر شما هجوم آورند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته که فرستنده [اطمینان بر قلبها و ثبات بر قدمهای مؤمنان] اند، یاری خواهد کرد»؛ والله اعلم.

۴۴- آل عمران، ۱۳۰:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بِغَيْرِ حَقٍّ وَلَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ

«هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا را با (سود) چندین برابر (اصل مالتان) مخورید و از خدا پروا کنید».

بررسی: این ترجمه، این توهم را به وجود می‌آورد که اگر ربایی چنین شرایطی نداشت (و معمولاً هم در حال حاضر ندارد) خوردن آن اشکالی ندارد؛ گو اینکه مفهوم مخالف در قرآن اعتبار ندارد، و گو اینکه استاد در پاورقی توضیح داده‌اند که آیه ۲۷۵ بقره، ربا را کلاً حرام کرده است، ولی بهتر است توجه کنیم که «اضعافاً مضاعفة» اشاره است به وصفی که عموماً در ربا وجود داشته؛ و بدین قرار ترجمه توهم‌زا نخواهد بود.

ترجمه‌های درست:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را که افزودنیها بر افزوده‌هاست - سودهای چند برابر -

مخورید و از خدا بترسید» (مجتبوی)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را که سودهای افزوده و چند برابر است مخورید و از

خدا پروا کنید» (مشکینی)

«ای مؤمنان، ربا را که افزایش مکرر [و خود به خود سرمایه] است، مخورید و از خدا پروا

کنید» (طاهری)

۴۵- آل عمران، ۱۵۸:

وَلَئِنْ مِتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ

«بی چون اگر بمیرید یا کشته شوید، همانا تنها به سوی خدا گرد آورده خواهید شد».

بررسی: کلمه «بی چون» که در موارد فراوانی در این ترجمه، در برابر حرف تأکید آمده معادل

خوبی برای آن نیست، زیرا «بی چون» به معنای بی مانند است؛ مثلاً می گویند: خدای بی چون، به معنای «لیس کمثله شیء».

۴۶- آل عمران، ۱۸۲:

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْغَيْبِ

«این عقوبت پیش فرستاده دستاورد شماست، و خدا بی گمان برای بندگان (خود) زیاد بیدادگر نیست».

بررسی: این عبارت در آیات ۵۱ انفال (۸)، ۱۰ حج (۲۲) و ۴۶ فصلت (۴۱) تکرار شده است، و در آن سه مورد نیز مترجم محترم، با همین مضمون ولی با عبارات متفاوتی ترجمه کرده اند. این ترجمه از نظر قواعد ایرادی ندارد، ولی مشکل آن این است که برای هر خواننده ای این ابهام و سؤال را ایجاد می کند که - العیاذ بالله - خدا تا حد کمی ستمگر است! مترجم گرامی در پانویس ترجمه خود توضیح داده اند که این «زیاد» بر اساس بیدادگری دوگانه است که شما را در گناه اجباری عذاب کند. ولی این توضیح هم نمی تواند ترجمه را توجیه کند؛ علاوه بر اینکه اصولاً هیچ کس مجبور به ارتکاب گناه نیست. غالب مترجمان برای فرار از مشکلی که پیش می آید، مبالغه بودن «ظلام» را در ترجمه نادیده گرفته و گفته اند خدا نسبت به بندگان ستمگر نیست. مشکل این ترجمه آن است که دقیق نیست و با آیه شریفه مطابقت ندارد. ترجمه این جانب از آیه چنین است: «آن [عذاب] نتیجه اعمالی است که از قبل مرتکب شده اید و [اگر جز این بود،] ظلم فاحشی نسبت به بندگان [می بود که] دور از [شان] خداست». به طوری که ملاحظه می شود، کلمه «ظلام» در آیه، ارتباط ظریف و دقیقی با بخش نخست آیه دارد. در واقع، این آیه، مجازات بدون استحقاق را که ظلمی بسیار بزرگ است، از خدا نفی می کند، و اگر مجازات بی سبب باشد، مجازات کننده هر که باشد، یقیناً ظلام خواهد بود و خدا ظلام نیست. این آیه دقیقاً همان معنایی را می رساند که در آیه ۱۱۷ هود (۱۱) بیان شده است: وَ مَا كَانَ رَبُّكَ لِيُنْهَكَ أَنْ تَرْبِيَهُمْ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ «پروردگار تو بر آن نبود که شهرهایی را که مردمش درستکار بودند، ستمگرانه نابود کند». با این توضیح، آیه معنایی روشن و منطقی و سراسر درست دارد.

۴۷- آل عمران، ۱۸۳:

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدٌ إِلَيْنَا إِلَّا نُوْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِينَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ

«کسانی که گفتند: خدا با ما پیمان بسته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا برای ما قربانی بیاورد که آتش آن را (به نشانه قبول) بخورد».

بررسی: همان طور که در مفردات و المنجد آمده است، واژه «عهد» اگر با «الی» بیاید، به معنای سفارش کردن است (عهد الی فلان: اوصاه و شرط علیه - المنجد). بنابراین ترجمه آن به «پیمان بسته» صحیح نیست. مترجم گرامی همین تعبیر را در آیه ۱۲۵ بقره تقریباً درست ترجمه کرده‌اند، ولی در آیات ۱۱۵ طه (۲۰) و ۶۰ یس (۳۶) در ترجمه ایشان همین مشکل وجود دارد.

ترجمه‌های درست: «اینان کسانی هستند که می‌گفتند خداوند به ما سفارش کرده است که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم مگر آنکه برای ما قربانی‌ای عرضه بدارد که آتش آن را پاک بسوزد». (خرمشاهی)

«همان کسانی که گفتند: همانا خداوند (در کتابهای آسمانی) به ما سفارش کرده که هرگز به فرستاده‌ای ایمان نیاوریم تا برای ما قربانی‌ای بیاورد که آتش (آسمانی به علامت قبول) آن را بسوزاند». (مشکینی)

«[آنان] کسانی [هستند] که گفتند: خدا به ما سفارش کرده است که هیچ پیامبری را باور نکنیم تا [گوسفندی] قربانی برای ما بیاورد که طعمه آتش [ناشی از صاعقه] گردد». (طاهری)

۴۸- آل عمران، ۱۸۳:

قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالَّذِي قُلْتُمْ

«بگو: همواره پیش از من (هم) پیامبرانی آمدند که دلایل آشکار را با آنچه گفتید برایتان آوردند».

بررسی: مترجم گرامی «باء» در «بالذی» را به معنای معیت گرفته‌اند. اگر چنین بود، نیازی به آوردن حرف «واو» نبود. «باء» در اینجا همچون بای «بالبینات» برای تعدیه است که روی فعل «جاءکم» اثر گذاشته است.

ترجمه‌های درست:

«بگو: به یقین پیش از من فرستادگانی معجزه‌ها و آنچه را که گفتید، آوردند». (انصاری)
«بگو: پیش از من پیامبرانی بودند که برای شما معجزاتی آوردند و همین را هم که گفتید عرضه داشتند». (خرمشاهی)
«بگو: قبل از من پیامبرانی معجزه‌های آشکار و آنچه خواستید برای شما آوردند». (طاهری)

۴۹- نساء، ۱:

اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا

«از پروردگارتان پروا کنید، کسی که همه شما را از یک تن آفرید و همسرش را (نیز) از او پدید آورد».

بررسی: اشکال این ترجمه آن است که یک کلمه داخل قلاب کسر دارد، یعنی ترجمه باید به این صورت باشد: «و همسرش را از [جنس] او پدید آورد». دلیل آن آیه ۲۱ روم (۳۰) است که می‌فرماید: **وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا**. اتفاقاً مترجم گرامی خود در ترجمه این آیه گفته‌اند: «از نشانه‌های اوست که از جنس خودتان همسرانی برایتان آفرید تا بدانها آرام گیرید». این که خدا همه همسران مردان مورد خطاب در این آیه را از «جنس» مردان آفرید، نه هر زنی را از «بخشی از وجود» همسرش، امری بسیار بدیهی است که احتیاج به اثبات و توضیح ندارد. در آیه ۷۲ نحل (۱۶) نیز مفهوم آیه ۲۱ روم تکرار شده است. بنابراین در آیه مورد بحث نیز باید به همین شکل ترجمه شود.

ترجمه‌های درست:

«از پروردگارتان پروا کنید، آن که شما را از یک تن - آدم (ع) - آفرید و جفت او را از [جنس] او آفرید». (مجتبوی)

«از مخالفت پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد». (مکارم شیرازی)

«در برابر پروردگارتان پروا کنید که شما را از یک تن آفرید و همسرش را نیز از [جنس] او آفرید». (طاهری)

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ

«واگر در (اجرای) قسط [فوق عدالت] میان یتیمان بیمناکید (دست کم) هرچه از زنان که شما را پسند افتاد به همسری برگزینید».

بررسی: ترجمه این آیه نیاز به افزوده‌هایی کوتاه داخل قلاب دارد، تا ابهام آن برطرف شود. در این ترجمه روشن نیست که اولاً کدام یتیمان مورد نظرند. ثانیاً میان اجرای عدالت بین یتیمان و ازدواج انسان با زنان دلخواه خود چه ارتباطی است؟! البته در ترجمه جای توضیحات طولانی نیست، ولی عصاره توضیحاتی را که درخور تفسیر است، می‌توان به صورت چند کلمه درون قلاب به ترجمه تزریق کرد، تا برای خوانندگان ابهامی باقی نماند. با توجه به اینکه در آیه قبل آمده است: «اموال یتیمان را حیف و میل نکنید» معلوم می‌شود در این آیه نیز یتیمان تحت سرپرستی هر کس مورد نظر است.

توضیح اینکه: از آنجا که در دوران جاهلیت، کار اعراب جنگ و خونریزی و غارتگری بود، یتیم در میان آنان فراوان بود و افراد متمکن و توانمند، دختران یتیم و اموال آنان را به عنوان سرپرست در اختیار می‌گرفتند و پس از بلوغ با آنان ازدواج می‌کردند، و به این ترتیب اموالشان را نیز تصاحب می‌کردند. این ظلم فاحش مورد نکوهش قرآن قرار گرفت و در این آیه فرمود: اگر از اجرای عدالت میان یتیمان تحت سرپرستی خود نگرانید، با آنان ازدواج نکنید، بلکه با زنان دیگر ازدواج کنید. موضوع این است که سرپرست یک دختر یتیم - که اموالی هم به ارث برده است - پس از ازدواج دختر، باید مدافع او در قبال بی‌عدالتی احتمالی همسر باشد، و اگر سرپرست، خود، همسر دختر باشد، در موقع اختلاف و بروز دشواری چگونه از او دفاع خواهد کرد؟ از این رو، بهتر است شرایط به گونه‌ای باشد که دختر یتیم، پس از ازدواج نیز سایه سرپرست را جداگانه احساس کند. این مسئله شبیه به قوانین عرفی است که معمولاً هیئت مدیره شرکتها را از معامله با خود شرکت منع می‌کنند. البته چون پدیده اختلاف در مورد آیه عمومیت ندارد، آیه فقط هشدار داده است، نه دستور. در این باره، در آیه ۱۲۷ همین سوره (نساء) نیز مجدداً هشدار داده است. با این توضیحات، با افزودن جملاتی درون قلاب، ابهامها برطرف می‌شود.

ترجمه‌های روشن‌تر:

«واگر بیم دارید که دربارهٔ یتیمان - دربارهٔ ازدواج با دختران یتیم - نتوانید به داد و انصاف رفتار کنید پس [با آنان نکاح مکنید و] آنچه شما را از [دیگر] زنان خوش آید، بگیرید». (مجتبوی)

«واگر بیم داشتید که نتوانید دربارهٔ دختران یتیم (در صورتی که با آنها طبق رسم آن روز ازدواج کنید) عدالت ورزید، پس با آنچه میلتان باشد از زنان دیگر ازدواج نمایید». (مشکینی)

«و اگر ترس داشتید که [در صورت ازدواج با دختران یتیم تحت قیمومیت خود] نتوانید دربارهٔ آنان عدالت را رعایت کنید، با زنان [دیگر] که می‌پسندید ازدواج کنید». (طاهری)

۵۱- نساء، ۲۰:

وَأَنْتُمْ إِخْدِيَهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا

و به یکی از آنان بار شتری طلا داده‌اید، پس چیزی از او باز پس مگیرید.

بررسی: ضمیر «منه» به مال برمی‌گردد نه به زن؛ و اگر چنین بود، باید ضمیر «ها» به کار برده می‌شد. ترجمهٔ درست این است: «چیزی از آن را پس مگیرید». ضمناً «قنطار» به مال زیاد گفته می‌شود و مال زیاد هم نسبی است؛ بنابراین بهتر است ترجمه به این شکل باشد: «و به یکی از آنها مال هنگفتی داده باشید، چیزی از آن مال را پس مگیرید». (انصاری)

۵۲- نساء، ۲۱:

وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا

«چگونه آن مال را (از آنان) باز می‌ستانید، با آنکه همواره با آنان خلوت کرده‌اید (تنگاتنگ بهرهٔ زناشویی و کام گرفته‌اید) و (آنان هم) از شما پیمانی استوار گرفته‌اند».

بررسی: اگر قرآن موضوعی را از جهت متانت کلام به طور سربسته بیان کرده است، ما هم در ترجمه باید دقیقاً از همان شیوه استفاده کنیم. افزودن این پراکنج با هدف توضیح موضوعی که خود به خود روشن است، چه لزومی دارد؟

نگاهی به تازه‌ترین ترجمه فارسی قرآن کریم... ۴۹ □

۵۳- نساء، ۲۲:

وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ

«و با زنانی که پدرانتان به ازدواج خود درآورده (و یا آمیزش به حرام کرده) اند، نکاح مکنید». بررسی: در اینجا هم به افزودن این پراتز هیچ گونه نیازی نیست؛ علاوه بر اینکه چنین چیزی در آیه مطرح نبوده است و همان مشکل بند قبلی را دارد. اگر قرار باشد هر جا واژه نکاح در قرآن آمده است، چنین توسعه غیر ضروری در معنای آن بدهیم، در مورد آیات فراوان دیگری، مانند آیه ۲۳۰ سوره بقره فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ، چه بگوییم!؟

۵۴- نساء، ۸۸:

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٍ

«پس چیست شما را در حال دودستگی منافقان»

بررسی: فحوای کلام در این ترجمه این است که منافقان دو دسته شده‌اند، در حالی که آیه می‌فرماید شما دو دسته شده‌اید؛ یعنی دسته‌ای تحت تأثیر ایمان ظاهری آنان قرار گرفته‌اید و دسته دیگر حقیقت حال آنان را درک می‌کنید. نظر مترجم گرامی هم همین طور بوده، ولی چون پردازش عبارت نامناسب بوده، معنای آن تغییر کرده است. اگر کلمه «درباره» به جمله اضافه شود، به این شکل: «پس چیست شما را در حال دو دستگی، درباره منافقان؟» ترجمه تقریباً اصلاح می‌شود. در این صورت علامت کسره از زیر کلمه «دو دستگی» باید حذف شود. ترجمه روان‌تر: «شما را چه شده است که در مورد منافقان دو دسته شده‌اید؟». (فولادوند)

۵۵- نساء، ۹۲:

فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَخْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَخْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ

«پس اگر (مقتول) از گروهی است که دشمنان شمایند و خود وی مؤمن است، (قاتل) باید به

خانواده وی خونبهایی تسلیم کند و مؤمنی دربند را (هم) آزاد نماید». بررسی: بخشی از آیه در ترجمه نیامده است.

۵۵- نساء، ۱۵۴:

وَقُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا

«به آنان گفتیم سجده کنان از درب (بیت المقدس) درآید.

بررسی: وارد شدن در حال سجده، به معنای اصطلاحی سجده و با شکل فیزیکی خاص آن ممکن نیست. در اینجا منظور ورود با حالت خضوع و فروتنی است که معنای اصلی سجده است. راغب در مفردات گفته است: السجود اصله التّطامن و التذلل و جعل ذلك عبارة عن التذلل لله و عبادته. و معنای آیه این است که با حالت خضوع و فروتنی از دروازه وارد شوید. همین اشکال در مورد سجده فرشتگان برای آدم که در آیات ۳۴ بقره (۲)، ۱۱ اعراف (۷)، ۶۱ اسراء (۱۷)، ۵۰ کهف (۱۸) و ۱۶ طه (۲۰) آمده است، بر ترجمه آقای دکتر صادقی و بسیاری از ترجمه‌های دیگر وارد است. معنای «اسجدوا لآدم» این است که در برابر آدم اظهار فروتنی کنید، و نیز در آیه ۱۰۰ یوسف (۱۲) در مورد سجده پدر و برادران یوسف برای او، معنای آیه این است که در برابر او ابراز فروتنی کنید. البته مترجم گرامی ما برای اینکه با مشکل سجده برای انسان - که آشکارا شرک است - مواجه نشوند، در آیه ۳۴ بقره (و سایر آیات مشابه) گفته‌اند: به فرشتگان فرمودیم به خاطر (شکرانه‌تعلیم گرفتن از) آدم، (برای خدا) سجده کنید، و در آیه ۱۰۰ یوسف (۱۲) نیز ترجمه‌ای با همین کیفیت دارند که راه پر پیچ و خمی برای پرهیز از مشکل است. چه لزومی دارد که از معنای اصلی و روشن «سجده» فاصله بگیریم و برای مشکلی که در برابر خود ایجاد کرده‌ایم، دنبال راه حل بگردیم؟ ترجمه‌های درست:

«و به ایشان گفتیم فروتنانه از این دروازه وارد شوید». (خرمشاهی)

«و به آنها گفتیم، (برای توبه) از در (بیت المقدس) با خضوع درآید». (مکارم شیرازی)

«و به آنان گفتیم با خضوع و فروتنی از دروازه [بیت المقدس] وارد شوید». (طاهری)

وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا

«و نیز به آنان گفتیم: در روز شنبه تجاوز نکنید و از ایشان پیمانی سخت بی‌امان گرفتیم»
بررسی: این ترجمه، این توهم را برای خواننده به وجود می‌آورد که تجاوز در سایر روزهای هفته آزاد است. اگر بگوییم مفهوم مخالف در قرآن اعتبار ندارد، برای هر خواننده‌ای که با تفسیر آشنا نیست، این سؤال مطرح می‌شود که چرا توصیه به عدم تجاوز - که همواره خطاست - فقط به یک روز از هفته محدود شده است؟ در ترجمه این آیه، افزودن چند کلمه درون قلاب برای روشن شدن اینکه منظور، تجاوز از حکم تحریم صید ماهی در روزهای شنبه است - که در آیات دیگر قرآن مطرح شده - ضروری است. استاد در پاورقی نیز توضیحی در این باره نداده‌اند.

ترجمه‌های روشن‌تر:

«و به آنها گفتیم در روز شنبه از اندازه مگذرید - ماهی نگیرید و از حکم تجاوز نکنید - و از آنان پیمانی سخت و استوار گرفتیم». (مجتبوی)

«و به آنها گفتیم: در روز شنبه (از حریم حرمت صید ماهی) تجاوز مکنید و از آنان پیمانی سخت و استوار گرفتیم». (مشکینی).

«و به آنان فرمان دادیم که: روز [های] شنبه [از حکم ویژه تحریم صید ماهی] تجاوز نکنید و از آنان پیمان محکمی گرفتیم». (طاهری)